



جاسوس پروری و حکومت داری

متن کامل مقاله **ویلیام برنز** رئیس CIA در فارین افرز درباره مواجهه آمریکا با روسیه، چین و خاورمیانه



ایران و گروه‌های مقاومت عراق

گفت‌وگو با **محمد خواجه‌جویی** مدیر گروه لبنان پژوهشگاه مطالعات استراتژیک خاورمیانه



استعفا پس از کودتا

درباره کتاب **مصداق ۱۲۹۹** که به روایت دوران والی‌گری او در ایالت فارس می‌پردازد



ناقص الخلقه‌سازی

گزارش میدانی از مراجعه خریداران خودروهای صفر به نمایندگی‌ها

سرمقاله

بازگشت به مردم

امروز ۱۲ بهمن است و ۴۵ سال از بازگشت امام خمینی به‌عنوان رهبر انقلاب به کشور گذشت. در این مدت فراز و فرودهای زیادی را شاهد بوده‌ایم. گرچه کسی نمی‌تواند آینده را پیش‌بینی کند، همچنان که نسل انقلاب نیز قادر به پیش‌بینی رخدادهای کنونی نبوده است و امروزی‌ها نیز قادر به پیش‌بینی آینده خود نیستند. ولی یک چیز را می‌توان قطعی دانست: اینکه پایه این انقلاب برخواست عمومی مردم ایران مبتنی بوده است. کسانی که روز ۱۲ بهمن سال ۱۳۵۷ را به یاد دارند خوب می‌دانند که تمامی مسیر فرودگاه تاهبشت زهرآبشیده از جمعیتی بود که به استقبال آینده دیگری آمده بودند؛ آینده‌ای که خودشان در آن نقش اول را داشته باشند و زیر فرمان بیگانگان عمل نکنند. مردم به معنای دقیق علت محدثه (ایجادکننده) انقلاب و نظم‌توبین بودند و تردیدی هم نیست که علت مقیه (علت باقی ماندن انقلاب) نیز همان علت محدثه یا ایجادکننده انقلاب است و هر چیز دیگری جز این انحراف است. خواست عمومی مردم اصالت دارد و نه ایده‌های مقطعی. کسی حق ندارد که این خواست را تفسیر به رای نماید و برای مردم نقش قیام را بازی کند. از آن مردمی که در سال ۵۷ انقلاب کردند جمعیت ۱۵ سال به بالا، اکنون حدود ۱۳ میلیون نفر مانده‌اند؛ خیلی ساده می‌توان از این جمعیت پرسید که در سال ۱۳۵۷ چه آرمان و آرزویی در سر داشته‌اند؟ و اکنون پس از گذشت ۴۵ سال وضع کنونی را تا چه اندازه با آن آرمان‌ها و آرزوها همخوان و همسو می‌بینید؟ از این گذشته، انقلاب ارنه و میراث هیچ‌کس حتی همین ۱۳ میلیون نفر نیز نیست. امروز نزدیک به ۷۰ میلیون نفر شهروند بالای ۱۵ سال در کشور هستند که همه آنان به یک اندازه حق و مالکیت در این سرزمین مشاع دارند. بنابراین همه آنان نیز باید بگویند چه می‌خواهند و دنبال چه چیزی هستند؟ این شرط لازمه انقلابی بودن است، در غیر این صورت جمود و رکود بر جامعه حاکم خواهد شد. مردم در سال ۱۳۵۷ از چیزی مستقل و بیرون از اراده خود رای ندادند، هر چه که بود، خواست مردم بود و این اراده امروز هم باید جاری و ساری باشد. نه اینکه در آستانه انتخابات باشیم و برخی افراد بخواهند با گزاره‌های تند مردم را به پای صندوق بیاورند. برای آمدن مردم به پای صندوق رای نه نیاز به تهدید است و نه تشویق و نه حتی نیازی به تبلیغ هم نیست، فقط کافی است که صندوق و انتخابات بیاتنگر و بازتاب‌دهنده خواست و اراده مردم باشد. این یعنی انقلاب بدون قید و شرط. انقلابی هم کسی است که با این جریان سیال اراده مردم همسو است و در برابر آن نمی‌ایستد بلکه همراهی هم می‌کند. متأسفانه در پیچه ورودی صندوق‌های انتخاباتی بر اثر نظارت استصوابی دچار دگردیسی شد و هر چه گذشت محدودیت‌های بیشتری را برای ورود و حضور تحمل کرد. در نتیجه فاصله و شکاف مردم با سیاست‌های جاری بیشتر و بیشتر شده است. انقلاب و طلیعه آخرین مرحله آن یعنی ۱۲ بهمن، هیچ چیزی جز تحقق خواست عمومی نبود، همان‌گونه هم که گفته شد این خواست را نه می‌توان به گزاره‌های همان مقطع زمانی تقلیل داد و نه تفسیر به رای نمود و نه مردم مشمول این خواست را چنان در دایره تنگ محدودیت قرار داد که خروجی انتخاباتش نماینده ۱۵ درصد جامعه نیز نباشد. تنها راه برای احیای جامعه و برگشت به مسیر اصلی انقلاب و ایجاد پیوستگی میان نسل جدید با نسل‌های گذشته، باز کردن درهای سیاست و مشارکت به روی مردم فارغ از هر تبعیضی است.

مانیفست ۱۲ بهمن

بازخوانی ۸ محور سخنرانی رهبر فقید انقلاب در روزی که همه جریان‌ها در میدان بودند

یک انقلابی در آمریکا بازخوانی کارنامه مبارزاتی دکتر ابراهیم یزدی

تاریخ انقلاب ۳۰۵



مهررداد خدیو
معاون سردبیر

هر چند به لحاظ شکلی و تاریخی اولین نطق عمومی رهبر فقید انقلاب در خاک میهن و بعد از ۱۴ سال و ۳ ماه تبعید در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ در سالن انتظار فرودگاه مهرآباد انجام شد اما آن سخنان بیشتر به قصد تشکر از مستقبلیین است و نخستین سخنرانی رسمی را باید همان نطق بهشت زهرا در ساعتی بعد دانست. البته مطابق برنامه از پیش اعلام‌شده قرار بود اتومبیل حامل امام خمینی در مسیر در دانشگاه تهران توقف و رهبر فقید انقلاب در آنجا سخنرانی کند و سپس به بهشت زهرا برود تا بر سر مزار شهیدان حاضر شود و اگر چه آنجا هم تریبونی تعبیه شده بود اما آن نطق تنها یاد و سپاس فداکاری‌ها باشد. در طول مسیر اما برنامه تغییر می‌کند یا همان ابتدا استاد مطهری فرزند امام را از حضور در دانشگاه به سبب آنکه در کنترل گروه‌های سیاسی و بعضاً متمایل به مجاهدین خلق است، برحذر می‌دارد در حالی که طیف مذهبی و سنتی در بهشت زهرا مستقر شده بودند. برای مردمی که از کم و کیف این دسته‌بندی هنوز خبر نداشتند البته توقف نکردن اتومبیل حامل امام خمینی در دانشگاه تهران اسباب شگفتی و قری ناخرسندی بود؛ چرا که جمعیت انبوهی از حامیان در اطراف و داخل دانشگاه تهران منتظر بودند و نویسنده این سطور نیز یکی از همان جمعیت بود. در فرودگاه نیز دکتر کریم سنجابی دبیرکل جنبه ملی انتظار داشت داریوش فروهر ملاقاتی را ترتیب دهد اما هر چه منتظر شد یار دیرین نیامد چراکه در همان داخل هواپیما آیت‌الله خمینی از او خواسته بود زودتر خارج شود تا پیام مهمی را به ارتش برساند. از این رو نطق فرودگاه را می‌توان پیش‌درآمدی بر سخنان بهشت زهرا دانست اگر چه به لحاظ نمادین حائز اهمیت است چون در حالت ایستاده بیان شده و گرداگرد او چهره‌های متنوع سیاسی دربرگرفته‌اند. نطق ۱۲ بهمن با مقدمه فرودگاه و متن بهشت زهرا از آن رو مانیفست یا اساسنامه می‌خوانم که به زبان ساده و روشن مشخص است چرا انقلاب شد و مردم و رهبری بر سر چه توافق کردند و نسبتی با تفسیرهای بسیار مضیق و گاه وارونه‌گرایشی‌هایی ندارد که سال‌ها بعد از درگذشت امام خمینی درصدد انکار جنبه‌های مدرن و دموکراتیک انقلاب ۵۷ برآمده‌اند. آیت‌الله در همان آغاز سخنان خود در فرودگاه از یکایک طبقاتی که نقش داشتند این گونه نام می‌برد: روحانیون، دانشجویان، بازرگانان و کسبه، استادان دانشگاه، قضات و وکلای دادگستری، کارمندان، کارگران و دهقانان. تاکید بر دادگستری یا تفکیک قضات و وکلا و اشاره به استادان و دانشجویان دانشگاه‌ها نیز با تصویری که بعدتر کسانی ترسیم کردند سازگار نیست. در نطق بهشت زهرا هم به روشنی می‌توان نمادها و نمودهای این مانیفست را دید و این متن به ۸ محور اصلی آن اشارت دارد. با این توضیح که آنچه درباره‌ی وعده آب و برق شهرت دارد به این نطق ربطی ندارد و یک ماه بعد و در پی پیروزی انقلاب در اسفندماه در قم مطرح شد و موضوعی جداست. ←